



اصول گفت‌وگوهای قرآنی

میان پیروان مذاهب اسلامی

سید عبدالقادر حسینی

دکتری الدراسات الاسلامیه، دبیر آموزش و پرورش استان کردستان

قانون‌گرایی، عدالت‌خواهی، اسلام‌گرایی و شعار قرآنی (امة و سبطاً) تحقق می‌یابد و امت واحده قرآنی تشکیل می‌گردد.

در این مقاله سعی شده به بیان اصولی از دیدگاه قرآن، که مایه خیر و بالندگی و برکت، منطقی و با ارزش‌اند، بپردازیم و از افتادن در مجادله و صرف قوا و نیرو در جهت عکس آن جلوگیری کنیم. به این امید که با چنین تعاملاتی جوامع و امت اسلامی به استمرار و حاکمیت و نشر قرآن و اخوت و اتحاد و انسجام همت گمارند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** وحدت، اخوت، اصول گفت‌وگو، تقریب، مشترکات

مقدمه

اهمیت گفت‌وگو، مناظره و مباحثه‌ای که از پشتوانه یک انگیزه الهی و انسانی برخوردار باشد، بر کسی پوشیده نیست. این بهترین راه شناخت یکدیگر و مناسب‌ترین شیوه برای بستن راه بر دشمنان تفرقه‌افکن است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «ضربوا بعض الرای بعض یتولد منه الصواب» اندیشه‌ها را با یکدیگر رودررو کنید تا اندیشه درست از آن‌ها پدیدار شود (الامدی ۲۶۷/۲) نباید فراموش کرد که گفت‌وگو باید حق‌خواهانه و روشنفکرانه باشد و نباید صرفاً به منظور غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن خود انجام پذیرد. بهترین نقطه آغاز برای گفت‌وگو با برادران دینی، مشترکات است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۶۴)

یکی دیگر از آداب گفت‌وگو و مناظره با برادران مسلمان پرهیز از سخنان کنایه‌آمیز و چند پهلو و مبهم است و دیگر آنکه در طول بحث، طرفین همواره باید به بررسی ادله و مستندات یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند خواهش‌های درونی و عصبیت‌ها

چکیده

گفت‌وگو یکی از بهترین و مناسب‌ترین رهیافت‌هایی است که از رهگذر آن می‌توان به دیدگاه‌ها و فراز و فرود اندیشه‌ها و عقاید پی برد و به نتیجه منطقی و درست رسید. همچنین با احیای استحکام و تمسک به اصول اخوت، که دستور صریح قرآن کریم، به همبستگی اجتماعی میان مسلمانان و تفاهم بیشتر میان آن‌هاست دست یافت. البته با این شرط که مبانی تبیین و موضوع بحث روشن شده و هدف طرفین حقیقت‌جویی بوده باشد. در این صورت هدایت و بشارت الهی نصیب افراد می‌شود و آنان از خرده‌مندان به حساب می‌آیند «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (الزمر، ۱۸).

نقش افراد عالم و بصیر به مسائل گفتمان در جهان اسلام و به سامان رساندن مباحث مطرح شده و جای‌گزین کردن راهکارهای بهینه در برابر الگوهای ارتجاعی و غربی با تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها میسر است. روشنفکران حوزه و دانشگاه می‌توانند با نقد و پیشنهاد اصلاحی خود در ایجاد این بستر، به منظور ترسیم جامعه ایده‌آل اسلامی مبتنی بر تفاهم، اخوت و مودت، تولید علمی، ایده‌های جدید و اجتهادی در جهت حرکت به سمت عمل‌گرایی در تأمین حقوق مسلمانان و وحدت آن‌ها، بسیار تأثیرگذار باشند.

اگر با گفتمان بتوانیم در طرح تجربه جامعه‌سازی دینی، آن‌گونه که پیامبر اکرم(ص) ترسیم و عملی کردند، پیش برویم و با دقت فکری، جریان‌های افراط‌گرای اسلامی و دین‌گریزی‌ها و سکولاریزم را به انزوا بکشانیم و از سویی دیگر فقر مفرط برخی بلاد اسلامی و سرمایه‌داری افسارگسیخته برخی بلاد دیگر را به خلاقیت و اجتهاد و نواندیشی و وحدت، در عین اصالت‌خواهی و اصول‌گرایی، مبدل کنیم، آن وقت است که از راه این تفاهم و تعامل و همدلی، همبستگی و وحدت ایجاد می‌شود. در نتیجه



اهمیت

گفت‌وگو، مناظره و مباحثه‌ای که از پشتوانه یک انگیزه الهی و انسانی برخوردار باشد، بر کسی پوشیده نیست. این بهترین راه شناخت یکدیگر و مناسب‌ترین شیوه برای بستن راه بر دشمنان تفرقه‌افکن است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «ضربوا بعض الرای بعض یتولد منه الصواب» اندیشه‌ها را با یکدیگر رودررو کنید تا اندیشه درست از آن‌ها پدیدار شود

در روند گفت‌وگو خللی ایجاد کند. مسلمانان در گفت‌وگو با یکدیگر باید با هم ملایم و نرم گفتار و نیک کردار باشند، چرا که بنا به فرموده امیر مؤمنان علی بن ابیطالب(ع): «شدة الغضب تغیر المنطق و تقطع مادة الحجة و تفرق الفهم» (مجلسی - ۴۲۸/۷۱). مسلمانان وقتی به این رشد رسیدند که باید مشکلات خود را از راه گفت‌وگو و مباحثه حل کنند، شایسته است که از جدال و مراء که مخرب و تفرقه‌انداز است بپرهیزند.

امام صادق(ع) چنین فرموده‌اند: مراء از چهار حالت خارج نیست: ۱. درباره موضوعی است که هر دو طرف حقیقت آن را می‌دانند که در این صورت کار آنان جز رسوایی طرفین و ضایع شدن آن موضوع پیامدی نخواهد داشت؛ ۲. اینکه درباره موضوعی است که هیچ یک از طرفین آن را نمی‌دانند. روشن است که در این صورت با جدل نادانی خود را آشکار ساخته و از حماقت خویش خبر داده‌اند. ۳. اینکه درباره موضوعی است که فقط یک طرف حقیقت را می‌داند. در این صورت کسی که حقیقت موضوع را می‌داند در عین حال با فردی که نسبت به موضوع جاهل است به مراء می‌پردازد. با برملا کردن خطاهای اخلاقی طرف مقابل به او ظلم می‌کند. ۴. کسی که به‌رغم جهلش نسبت به حقیقت موضوع به مراء با عالم به آن موضوع می‌پردازد، از حق ناشناسی و حرمت‌شکنی خود نسبت به علم و عالم خبر داده است (مجلسی ۱۲/ ج ۳۳).

جامعه اسلامی شایستگی رشد و بالندگی و پویایی را دارد و زمانی به این مصداق خواهد رسید که مباحثات و گفت‌وگوها در بین افراد آن رونق بگیرد و تبادل آرا و افکار به درستی و آسانی صورت پذیرد و فرهنگ نقد صحیح بر جامعه اسلامی حاکم شود و عقاید منصفانه مورد ارزیابی قرار گیرد. این نقد موجب پویایی و حرکت به سمت جلو می‌شود و خوبی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و بدی‌ها به کنار گذاشته می‌شوند.

از سوی دیگر ما مسلمانان روحیه پذیرش حق و حقیقت را در خود پرورش داده‌ایم. امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: شنیدن حق را بر من سنگین میندازید، و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آن کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار باشد، کار به حق و عدالت کردن بر وی دشوارتر است. پس از گفتن حق، یا رأی زدن در عدالت باز نایستید، که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند، که از من بر آن‌ها توانا تر است (صبحی صالح خ ۲۱۷/۲۱۶).

بر همین اساس از نظر اسلام، مجادله احسن و دعوت به حکمت و موعظه حسنه به نیکوترین روش و پاسخ و اقباع به شیوه درست «ادعُ اِلَی سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ النَّحْلِ، ۱۲۵» و توجه به توحید و یکتاپرستی و پایبندی به اصول و ارزش‌های برخاسته از اعتقاد دینی و توجه به نقاط مشترک میان مسلمین، چنگ زدن به ریسمان الهی مراجعه

به سنت پیامبر(ص)، مراجعه به سیره اهل بیت(ع)، امر به معروف و نهی از منکر، مراعات حقوق برادری «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا (الحشر، ۱۰)»، اصلاح ذات البین، برنامه‌های عبادی و مناسک حج و اعیاد و... همگی از جمله برنامه‌های گفت‌وگوی منطقی و اشاعه آن میان مسلمانان در جهت ایجاد و رسیدن به وحدت و مودت و همگرایی است. از آنجا که ما در پی بررسی علل درونی و بیرونی نیستیم و از جهتی نمی‌خواهیم علل تفرقه را از منظر قرآن کریم بررسی کنیم (برای نمونه رجوع شود به آیات بقره، ۲۱۳، آل عمران، ۱۹، شورا، ۱۴، جاثیه، ۱۷) به اصول گفتمان قرآنی متمسک شده‌ایم، زیرا که امر به معروف مقدم بر نهی از منکر است.

اصل کرامت انسانی

از تدبیر در قرآن درمی‌یابیم خداوند خود کریم‌ترین است و بنی آدم نیز از کرامتی اعطایی برخوردار است و درجات بهره‌مندی از آن در میان آدمیان بر پایه تقواست. در این مقوله دو نوع کرامت مدنظر است، **یکی عامه و آن کرامت ذاتی است** که وجه متمایز و مشترک آدمیان با دیگر موجودات است (زحیلی، ۸)، و دیگری **خاصه** و آن کرامت انسانی اسلامی یا اکتسابی است که وجه تمایز آن تقوا و ایمان انسان‌ها در رسیدن به کمالات اختیاری است (رجبی، ۲۹۹). راغب اصفهانی درباره کرم می‌نویسد: کرم در مقابل توصیف انسان به معنای خوی و کردار ستوده است که بالفعل از او ظاهر گردد و جز بر محاسن (نیکی‌های) بزرگ اطلاق نمی‌شود (اصفهانی، ۴۲۸). در قاموس قرآن نیز کرامت در لغت به معنای بزرگواری و شرافت، بخشندگی و سخاوت، ارزشمند بودن و عزیز بودن و مانند آن‌هاست (قرشی ۱۰۳/۶). کرامت هم از شئون عقل عملی است و هم عقل نظری، یعنی همان‌گونه که جود و سخاوت از شئون عقل عملی به شمار می‌رود درایت و معرفت و شهود نیز از شئون عقل نظری محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۰). از این نظر نبوت و ولایت و معرفت از مصادیق بارز کرامت به شمار می‌روند، همان‌طور که امام حسین(ع) در شب عاشورا فرمودند: «اللهم انی احمدک علی ان اکرمتنا بالنبوة و علتنا القرآن و فقهتنا فی الدین (طبری، ۱۸/۵)». از منظر قرآن اگر انسان به حال خود رها شود به افراط و تفریط کشیده خواهد شد «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (العصر، ۲)» و اگر با ایمان و عمل صالح همراه باشد از افراط و تفریط و انحراف و طغیان مصون است «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (العصر، ۳)» لذا مدح و ستایش از انسان در قرآن کریم ناظر به استعداد ذاتی او جهت رسیدن به کمال و ایمان است و مذمت از او ناظر به نقاط ضعفی است که دارد و باید آن‌ها را برطرف کند.



اصل تقوا و اخلاص در نیت

اگر هدف از گفتمان قرآنی در جهت رسیدن به منطق درست و بهره‌مند شدن از ثمره وحدت و اخوت و تقریب اسلامی صرف برای خدا و رضای او باشد و از خودنمایی و تظاهر و هوای نفسانی و نفاق به دور باشد و خدا را در آنچه که می‌گویند و انجام می‌دهند ناظر بر اعمال خود ببینند آن وقت مشمول رحمت و هدایت الهی می‌شوند که به تعبیر قرآن «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (طه، ۱۳۲)» و «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ (الحجرات، ۱۳)» و سرانجام «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (العنكبوت، ۶۹)»

اصل ادب و پرهیز از تکبر و تهمت و افترا

رعایت اصل ادب در قرآن کریم به طور خلاصه مستلزم حسن خلق و خوش‌زبانی و سلام و درود است «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ (الانعام، ۵۴)» پرهیز از تمسخر دیگران و به کار بردن القاب ناشایست انسانی و توهین و دشنام و عیب‌جویی و اتهام که از عادات جاهلان و مشرکان است در گفتمان قرآن بسیار مورد مذمت قرار گرفته است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تُنَابِرُوا بِالْأَقْبَابِ... (الحجرات، ۱۱)»، «وَيُلِّ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُّمَزَةٍ (الهمزة، ۱)»، «هَمَّازٌ مَشَاءٌ يَنْمِيهِم (القلم، ۱۱)»، تکبر ورزیدن دون شأن و منزلت انسان مسلمان است و قرآن سقوط و رانده شدن شیطان را ناشی از این رذیلت اخلاقی یعنی تکبر می‌داند. این تکبر حاصلش در گفتمان به کدورت و کینه می‌انجامد و عامل از بین بردن تفاهم و مودت و اخوت و تألیف قلوب است. «فَلْيَسِّسْ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (النحل، ۲۹)». گاه از نسبت دادن افترا و اتهام که به دور از حقیقت است و قابل اثبات نیست به صورت پتکی در جهت کوبیدن اندیشه طرف مقابل استفاده می‌شود و همین موجب تفرقه و رنجش خاطر می‌گردد «وَيُلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (الجاثیه، ۷)» جاثیه، لذا خداوند در قرآن به کارگیری سه روش گفتمان مؤثر را به رسول اکرم (ص) توصیه کرده است که عبارت‌اند از: ۱) حکمت. ۲) اندرز ۳) جدال نیکوتر. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (النحل، ۱۲۵)»

اصل عدل و قسط

حکم به ادای حق و تساوی آن و نفی هر گونه تبعیض، میان‌روی در امور و دوری از افراط و تفریط همچنین رعایت حقوق افراد از مصادیق بارز اصل عدل و قسط‌اند. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ (النحل، ۹۰)» و «أَمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ (الشوری، ۱۵)»

اصل احسان و شورا

حسن در مقابل قبح است به معنای نیکی کردن و انجام دادن کارها به بهترین شیوه (طباطبایی ۷۴/۲). حتی طبرسی آن را به



اگر هدف از گفتمان قرآنی

در جهت رسیدن به منطق درست و بهره‌مند شدن از ثمره وحدت و اخوت و تقریب اسلامی صرف برای خدا و رضای او باشد و از خودنمایی و تظاهر و هوای نفسانی و نفاق به دور باشد و خدا را در آنچه که می‌گویند و انجام می‌دهند ناظر بر اعمال خود ببینند آن وقت مشمول رحمت و هدایت الهی می‌شوند.

رعایت اصل ادب در قرآن کریم به طور خلاصه مستلزم حسن خلق و خوش‌زبانی و سلام و درود است (واذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم) (سور انعام، ۵۴)

معنای رساندن نفع حسن به غیرمعنا کرده (طبرسی ۲۸۸/۱) و در قرآن کریم هم اتفاق در آسانی و سختی، فرو خوردن خشم، گذشت از مردم، از مصادیق احسان برشمرده شده است «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (البقره، ۸۳)». لازمه تشکیل شورا میان مذاهب اسلامی جهت گفتمان و تقریب مستلزم توانایی استماع و فهمیدن عوامل سخن و نظرات مختلف دیگران است «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (الزمر، ۱۸)» که در نهایت با صبر و تحمل و محبت تبادل آرا و بهره‌مندی مطلوب حاصل می‌گردد «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ (الشوری، ۳۸)»

اصل وفای به عهد

اگر چه این اصل خود از مصادیق عدل و احسان است اما در لغت به معنای حفظ و رعایت نمودن پی در پی چیزی است. این اصل هم شامل امور مادی چون انواع داد و ستدها و امور معنوی همچون «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ (الاحزاب، ۲۳)» می‌شود.

اصل مقابله به مثل

این اصل تأکید دارد که تعدی را نباید به تعدی پاسخ داد و اسلام پیروانش را از تجاوز و تعدی منع فرموده و آن را حرام و ناپسند دانسته است و خداوند افراد متجاوز را دوست ندارد (بقره، ۱۹۰ و ۲۹۹ - مائده، ۲ و ۸۷ - اعراف، ۵۵). البته از منظر اسلام تعدی هنگامی ناپسند است که در پاسخ به تعدی دشمن نباشد به همین جهت اسلام، برای رها شدن از ذلت بندگی و بیرون آمدن از زیر بار ستم، دفاع را روا دانسته و آن را ظلم به حساب نیاورده و حتی عدالت قلمداد کرده است. البته خطاب آیات قرآن در این باره بیشتر به کافران و دشمنان اصلی دین اسلام است و گرنه شخص رسول اکرم (ص) بدی را با خوبی پاسخ می‌دادند «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (الفرقان، ۶۳)»

اصل موالات نداشتن مسلمانان با دشمنان اسلام

از منظر گفتمان اسلام دو نوع موالات مثبت و منفی وجود دارد. در نوع اول آئین همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با صلح و صفا در بین مسلمانان و حتی با غیرمسلمانان تأکید شده است. در نوع دوم از موالات مسلمانان با کافران حربی و معاندان دین اسلام نهی شده است و این قاعده یکی از ملزومات وحدت و اخوت در جوامع اسلامی و در گفتمان‌هاست (جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به نساء، ۱۳۹ و ۱۴۴، آل عمران، ۲۸ و ۱۸۸، مائده، ۵۷ و ۸۰ و ۸۱، توبه، ۲۳، مجادله، ۱۴ و ۲۲، ممتحنه، ۱ و ۹ و ۱۳). اصل ارجاع به معنویت‌گرایی مشترک، تأکید بر شناسایی عالمان و اندیشمندان و دانشمندان بزرگ مذاهب اسلامی و اصل شناسایی فرهنگ‌ها و تمدن‌های بومی اسلامی از راهکارهای ایجاد موالات به شمار می‌آید.

اصل اخلاق و دعوت به صبر و آرامش و نرم‌خویی

تردیدی نیست که دریافت‌های عقلانیت اخلاقی به دلیل ویژگی طبیعی، عام‌گرا، جهان‌شمول، فرافرهنگی و در برخی سطوح جاودانگی ممکن است به هنجارهای جهانی و همگانی تبدیل شوند. اخلاق‌گرایی بدون ریاکاری و ظاهرگرایی در گفتمان اسلامی میان مذاهب، اصلی است که به رعایت آن تأکید می‌شود و التزام آن به عمل‌گرایی و نواندیشی و روشنفکری می‌انجامد. تأکید بر اخلاق‌گرایی و عمل‌گرایی راه را برای بستر آزاداندیشی بدون اباحی‌گری و پرهیز از شکاکیت فراهم می‌سازد. گفت‌وگو و مباحثه‌ای که بدون لجاجت و بی‌ادبی باشد حاصلش اخوت و همدلی است اخوتی که راه را برای مردم‌گرایی پرهیز از عوام‌زدگی و عوام‌فریبی هموار می‌کند و با تفاهم و حسن ظن و پرهیز از استبداد و بی‌وجود اختلاف نظرها از تفرقه و هرج و مرج طلبی جلوگیری به عمل می‌آورد و بستری مناسب، برای رشد و بالندگی فراهم می‌کند.

شرح صدر، محبت خدا و رسول، تحمل و پذیرش همدیگر، دفع شیطان و شیطان‌صفت‌ها و دشمنان وحدت، دفع نفاق، عصمت، دوری از گناه، خودسازی، حیات دل و سرانجام آرامش و اخوت از ثمرات این اخلاق اسلامی در گفتمان هاست و با رعایت این اصل اخلاقی، گفت‌وگوی قرآنی در زدودن سوءتفاهم‌ها و ارتقای سطح آشنایی‌ها و همکاری‌ها و پذیرش و تحمل و درک همدیگر را راه بر تفرقه و عداوت و تکبر و خودبرتربینی خواهد بست. گذشت و صبر و مدارا کردن و سعه صدر داشتن از صفات مؤمنین و محسنین در قرآن کریم است «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائدة، ۱۳)» دعوت به آرامش و نرم‌خویی در رفتار و گفتار ثمراتی چون انس و مودت و تألیف قلوب و جذب طرف مقابل را به همراه خواهد داشت «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (النساء، ۹)»، «وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ بِنِغَاءِ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا (الأنس، ۲۸)»

اصل تنوع نژادی صرفاً جهت شناسایی یکدیگر

تنوع ملیتی و فرهنگی در اسلام هیچ‌گاه مانع از گسترش دین اسلام در گذشته و حال و در انجام ضرورت‌های فعلی نگردیده است، اسلام همه‌ای انبای بشر را از سلالة واحد و از حضرت آدم (ع) می‌داند «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (المؤمنون، ۱۲)»، و تفاوت‌ها را نشانه‌ای از آیات خود و صرفاً ابزاری برای شناخت یکدیگر می‌داند. «وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ (روم، ۲۲)» «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنا أکرکم عند الله أتقاکم



تردیدی نیست که دریافت‌های عقلانیت اخلاقی به دلیل ویژگی طبیعی، عام‌گرا، جهان‌شمول، فرافرهنگی و در برخی سطوح جاودانگی ممکن است به هنجارهای جهانی و همگانی تبدیل شوند. تأکید بر اخلاق‌گرایی و عمل‌گرایی راه را برای بستر آزاداندیشی بدون اباحی‌گری و پرهیز از شکاکیت فراهم می‌سازد. گفت‌وگو و مباحثه‌ای که بدون لجاجت و بی‌ادبی باشد حاصلش اخوت و همدلی است

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات، ۱۳)» این عوامل ظاهری در گذشته فکر اصلی بسیاری از ملت‌ها شده بود، آن‌گونه که مصری‌های قدیم با دید حقارت به سایر ملت‌ها می‌نگریستند، بهبود خود را ملت برگزیده خدا می‌دانستند، یونانی‌ها به دیگران لقب بربرها می‌دادند و عرب‌ها به غیراعراب، اعجمی می‌گفتند اما هنگامی که اسلام آمد چون که گرایش به نژاد و ملت معینی نداشت تمام این تفاوت‌ها را صرفاً به منظور تعارف (همدیگر را شناختن) و آشنایی بیان کرد و تقوا را ملاک گرامی‌داشت و نزدیکی به خدا اعلام کرد (الا سکندرانی، ۸۷) اگر چه حق افراد بشریت است که از خود و زبان و فرهنگ و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند و از جایگاهشان نسبت به ملل دیگر بپرسند اما اگر هدفشان از تعارف و آشنایی ناشی از منظر قرآن نباشد چه بسا در این خصوص خود از عوامل تفرقه و تعصب به حساب آید (غلاب، ۱۵۵). و یا حضرت رسول (ص) در حجة الوداع فرمودند: «یا ایها الناس الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد، الا لافضل لعربی علی اعجمی و لا اعجمی علی عربی و لا لاسود علی احمر و لا احمر علی اسود الا بالتقوی؛ الاهل بلغت؟ قالوا: نعم. قال: لیبلغ الشاهد الغائب» و نیز فرمودند: ان الله لا ينظر الی احسابکم و لا الی انسابکم و لا الی اجسامکم و لا الی اموالکم و لكن ینظر الی قلوبکم فمن کان له قلب صالح تحنن الله علیه و انما انتم بنو آدم و احبکم الیه اتقاکم، (همان منبع، ۸۸). بر این اساس، قرآن خط مشی منطقی را در گفت‌وگوی میان مذاهب، صرف نظر از تنوعاتی که در ملیت و نژاد و مذهب دارند، در داشتن قلب صالح و تقوای الهی برمی‌شمارد.

اصل زبان

اسلام ملت‌ها و اقوامی را که به اسلام گرویده‌اند ملزم به یاد گرفتن زبان عربی و رها کردن زبان خود نکرده است، زیرا اگر چنین بود رسالت جهانی اسلام و اهمیت تبلیغ و نشر در مواجهه با این ملت‌ها و اقوام تحقق نمی‌یافت. در عوض به الزام ملت‌ها و اقوام جهت حفظ زبانشان تأکید کرده و اجبار رها کردن آن را کاری استعمارگرانه و تعرض به حریم آن‌ها دانسته است.

بر این اساس ملل دنیای اسلام دارای زبان‌ها و لهجه‌های مختلفی هستند. اما هنگامی که اسلام پا به عرض حیات ملت‌ها نهاد زبان عربی در بین آن‌ها عمومیت یافت و زبان رسمی دینشان شد، زیرا عبادت‌هایی چون نماز و تلاوت قرآن جز با زبان عربی میسر نبود و اسلام فراگیری امور دینی را واجب کرده بود و این جز با فراگیری عربی مقدور نمی‌شد. لذا با استقبالی که از آن شد، تفسیر و حدیث و فقه و دانش‌های مربوط به آن به زبان عربی تدوین یافت و در کنار آن زبان‌ها و لهجه‌ها نیز به حیات خود ادامه دادند، یعنی ملت‌ها و قومیت‌ها با گویش‌های مختلف زبان



مشترکی داشتند که موجب پیوند بیشتر آن‌ها می‌شد. اما دشمنان اسلام و استعمارگران زبان خود را بر زبان‌های محلی ملت‌ها و هم بر زبان مشترک آنان (عربی) تحمیل کردند. مثلاً در ترکیه بعد از جنگ جهانی اول خط از عربی به لاتینی تغییر کرد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران، ۱۱۰)

قرآن کریم با محور قرار دادن مفهوم امت در معنای جامعه دینی مسلمانان، ویژگی‌هایی از قبیل شورا و مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، ایمان به خدا، اقامه نماز و قسط و عدل و برقراری عدالت اجتماعی را مورد تأکید قرار داد. با عملی کردن این اصول، امت اسلامی بهترین امت (امت وسط و معتدل) به شمار می‌آید و برای سایر مسلمانان و دیگر ملل ملاک، معیار، شاهد و گواه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

شرایط ویژه دنیای امروز چگونگی برخورد مسلمانان با یکدیگر را در داخل و خارج کشورهای اسلامی بسیار پراهمیت کرده است و وجود فرق اسلامی، تنوع ملیتی و فرهنگی و سیل هجمه‌های مختلفی که علیه مسلمین و بلاد اسلامی صورت می‌گیرد بر این ضرورت افزوده است.

نوع رفتار حکومت‌های اسلامی و مسلمانان با یکدیگر، که با محدودیت‌هایی مواجهند، باید قرآنی و اسلامی باشد. لذا لازم است قرآن کریم را مهم‌ترین منبع استنباط و شریعت و رفتار رسول اکرم (ص) را تبیین‌کننده آن در ایجاد روابط و گسترش رفتار اسلامی مورد لحاظ قرار داد. روش گفت‌وگوی قرآنی بر زیربنای برادری و اخوت اسلامی و ایمانی استوار است و مراعات آن ضرورتی است که تمام حوزه‌های زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. تأکید بر متمسک شدن بر مشترکات و اصولی که سرمایه و دست‌مایه مسلمانان است، به جای اختلافات در قرآن کریم در قالب گفت‌وگوهای اخلاق‌سازنده بیان شده است.

در کنار آن ما منبع عظیم دیگری برای گفت‌وگوها داریم و آن تاسی به سیره شخص رسول اکرم (ص) است. شارع مقدس در گفت‌وگوهای اسلامی بر اصل وحدت و کرامت و احترام به خون انسان‌ها و دوری از فساد و غلو و تفرقه تأکید دارد. پایبندی به تقوا و ایمان در معادلات میان مسلمانان، تأکید بر حفظ هویت فرهنگی اسلامی و ملزم شدن به مواثیق و پیمان‌نامه‌ها و همکاری‌های مختلف و ایجاد بستر مناسب جهت نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر ملل اسلامی به همدیگر، و احترام گذاشتن به شخصیت‌ها و اندیشمندان اسلامی در جهت رسیدن به اخوت و مودت و وحدت اسلامی آموزه‌های دیگر قرآن و سیره رسول اکرم (ص) است. گفت‌وگویی که با رعایت اخوت ایمانی و اجتماع بر مشترکات

فراوان به همراه حسن خلق به نزاع‌ها و تفرقه‌ها و کشمکش‌ها پایان می‌دهد، کدورت و کینه را می‌زداید و اخوت و مودت و قدرت و تقرب را به ارمغان می‌آورد.

در این مقاله سعی بر آن شد تا اصولی که منشأ و زیربنای اصلی آن‌ها قرآن کریم است و اشاعه منطق گفت‌وگو را میان پیروان مذاهب جهت رسیدن به وحدت و اخوت منطقی و اسلامی مطرح کرده بررسی شود. اصولی که همواره مورد تأیید قرآن و سنت و ائمه (ع) و عقل سلیم و فطرت انسانی است و رسیدن به این اصول جز با تفاهم و تعامل میان علما و اندیشمندان فرق اسلامی برای تحقق جهان‌مداری شعار «امت وسط» میسر نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الاسکندرانی، محمد، فی جغرافیه العالم، الاسلامی، بیروت، دار بیروت المحروسه، ۲۰۰۶ م، چاپ چهارم.
۴. الامدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، نشر فرهنگ رشیدی ۱۳۷۷.
۵. احمدی، ظهیر، مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، بهار ۸۸.
۶. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، تهران نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲، چاپ سوم.
۷. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم.
۸. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، چاپ اول.
۹. الزحلی، وهبه، القیم الانسانیة فی القرآن الکریم، دمشق دارالمکتبی، ۱۴۲۰ ق، چاپ اول.
۱۰. صبحی صالح، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق، چاپ سوم.
۱۲. طبری، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالحیاء و التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۱۳. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق، چاپ دوم.
۱۴. غلاب، محمد السید و آخرون، البلدان الاسلامیه و الاقلیات المسلمة فی العالم المعاصر، الرياض، ۱۹۷۹ م.
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.
۱۶. قطب، سیدمحمد، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرمدل، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۵.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

